

تعامل دین و هنر: تأثیر آثار هنری بر فضاسازی معنوی در اماکن

دینی

روح‌الله عابدی جزی *

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳]

چکیده

فراگیرترین ماهیتی که جهان زیستی بشر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد دین است. دین دربرگیرنده آرامش‌ها، جنگ‌ها، عمران، خرابی‌ها و ... است. هنر ابزار پُر قدرت دین در این میانه در کمک به نشر و گسترش عقاید و افکار و مرزداری از آن است. آموزش هنر در جامعه از یک سو در بُعد اجرایی به بسط و گسترش و غنای تکنیک‌ها و زیبایی‌های هنری و معنوی در دین کمک می‌کند و از سوی دیگر در بُعد مخاطب همچون رسانه اجتماعی مخاطب را به رشد هدایت می‌کند. هر دین به فراخور فلسفه وجودی‌اش می‌تواند طبق محتوای ارزشی‌اش سفارش‌دهنده آثار هنری دینی باشد و نهایت استفاده را از هنر ببرد و در مقابل، راز ماندگاری هنر نیز در تعامل با ادیان بوده است، چراکه تاریخ‌نگاری‌های هنر در بستر سفارش‌دهندگان دینی به چشم می‌خورد و به علت معنویت مکانی آثار هنری هم تا حد امکان حفظ شده است. با این همه، جریان‌های هنری مولد معنویت و گرایش‌های فراطبیعی نبودند، بلکه شأن الاهی و اجتماعی دین ایجاب می‌کرد که هنر بستری برای ایجاد انگیزه و تعامل و فضاسازی معنوی باشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش هنر، دین، مسجد، اسلام، مسیحیت، یهودیت.

* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ هنر ایران اسلامی، دانشگاه هنر، اصفهان، و طلبة سطح دو مدرسه اهل‌البیت (ع)

مقدمه

طبق مشاهدات و مستندات، بیشترین حجم آثار هنری تولیدشده مربوط به ادیان است. کشف این جاذبه و خدمات متقابل دین و هنر، گویی پرده از مانایی آن برمی‌دارد. ادیان به عنوان سفارش‌دهنده آثار هنری همواره کوشیده‌اند در راستای اعتقادی خود به جذابیت بیرونی‌شان در قالب هنر اهتمام بورزند. هرچند ابزار هنر را، در تمامی رشته‌ها، سفارش‌دهندگان برای توسعه دینی خود پذیرفته‌اند، اما در گاه‌نگاری پیدایش این ارتباط، هنرهای تجسمی، خصوصاً معماری و نقاشی، بیشترین کارکرد را داشته است. معماری مجموعه‌ای است دربرگیرنده بیشتر هنرها و صنایع مستظرفه که در آن نقاشی، منابع مکتوب و غیره نیز حضور دارد. به واسطه بُعد خیال و الهام هنر، سفارش‌دهندگان قصد داشتند با بهره‌گیری از این خصیصه به رشد و تعالی معنویت در اماکن پرستشگاهی و مقدس یاری برسانند. همان‌طور که مسجد از زمان موقوفه‌شدن ارزشی قدسی می‌یابد که هرگز این ارزش خدشه‌پذیر نیست، دخیل کردن هنرها در اماکن پرستشگاهی باعث می‌شود سفارش‌دهنده بالاترین سطح زیبایی را، که اشرافی‌ترین تزیینات و نهایت تجلی و شکوهی است که در دربار پادشاهان به رخ کشیده شده، در خانه امن الهی به تصویر بکشد. سفارش‌دهنده به‌نیکی می‌داند که از شکوه و اشرافیت پادشاهان به غیر از قرون متأخر چیزی نمانده، اما این نقوش به سبب قدسی‌بودنش همواره در نگه‌داری و تعمیر و مرمت مستمر قرار گرفته و این امور با نظارت عموم مردم و تأمین مالی آنها حفظ شده و هیچ آسیبی (به غیر از وقایع طبیعی مانند سیل، زلزله و ...) آن را تهدید نمی‌کند. آموزش هنر را در دو بُعد «اجرا» و «فهم مخاطب» می‌توان بررسی کرد. بُعد اجرایی در انتقال تجربیات هنری و تکنیکی مؤثر است و فهم مخاطب در رمزگشایی از خطوط و پیچیدگی نقوش هندسی و نباتی یا نقاشی‌های اماکن مقدس.

در پژوهش‌های دینی هنری، پژوهشگران بیشتر به یافتن ارتباط و تناسب‌های معنوی طبق نشانه‌شناسی فلسفی با دیدگاه‌های خاص رفته و از جنبه ارتباطی اجتماعی و آموزشی هنر غفلت ورزیده‌اند. این پژوهش در صدد است با اشاره‌ای گذرا به سیر تطور هنر در

تعامل دین و هنر: تأثیر آثار هنری بر فضاسازی معنوی در اماکن دینی / ۱۲۵

برخی ادیان به تعاملات هنر با سفارش‌دهندگان آثار هنری در پرستشگاه‌ها بپردازد و در بُعد آموزش هنر بررسی کند که اهداف سفارش و نیاز غایی آن چگونه بوده است. روش تحقیق، توصیفی و کتاب‌خانه‌ای است. کوشیده‌ایم با بهره‌گیری از منابع ادیان بر روی موضوع پژوهش متمرکز شویم و با مقایسه سفارش‌دهندگان هنری و اهداف دینی‌شان به آموزش هنر از دریچه دین توجه کنیم.

پیش‌تر مقالاتی درباره هنر و دین نگاشته شده، اما یا از دیدگاه فلسفه اسلامی بحث شده، یا اینکه در تعریف فلسفی از «هنر» و «دین» و کشف ارتباط بین آن دو پژوهش‌هایی انجام شده است. جا دارد از نظر کیفی و مصداقی از صیوررت ارتباطی دین و هنر و نیز بیان نتایج سنجش گونه‌های هنر و میزان تأثیر آن در تعالیم دینی پژوهش‌هایی انجام شود. این پژوهش با مقایسه داده نشان می‌دهد که آثار تولیدی هنری در حیطه ادیان با نظر سفارش‌دهندگانشان تطبیق دارد و این تطبیق حاصل تفکر دینی و برخاسته از اعتقادات آن دین بوده و آموزش هنر در سیر تاریخی‌اش جنبه تعاملی داشته و بیشترین حمایت از آثار هنری و ماندگاری این آثار در عرصه دین به ثبت رسیده و تأثیر مطلوبی بر مخاطب خود داشته است.

در این مقاله کوشیده‌ایم از مفاهیم و تعاریف فلسفی دوری کنیم. بحث طبق مصداق‌های شناختی از هنر و دین به گزاره‌های معرفتی اجتماعی سوق یافته و چون پژوهش‌های گذشته فارغ از مضامین و مفاهیم فلسفی و دینی نبوده، به معرفت‌شناسی ماهیتی راه نبرده است. از این‌رو مطالعه مصداقی داده‌های ادیانی در این بحث با اشاره به خاستگاه و مقایسه توانسته است شناخت جدیدی در این موضوع ایجاد کند.

پیشینه ارتباط هنر و ادیان

مطالعه فرهنگ‌های پیش از تاریخ، مانند بین‌النهرین و ایران، نشان از صبغه مذهبی اقوام داشته و فرم و نقش سفال‌ها ارتباط تنگاتنگی با مذهب و مناسک داشته‌اند (اسکندری و آشوری، ۱۳۹۵). در یک تقسیم‌بندی اگر نقوش سفالینه‌های دوره شهرنشینی به بعد را تابع فنون و مساوی با تکنیک‌های نقاشی تجریدی بدانیم به نظری کلی درباره این نقوش

می‌توان رسید و آن این است که یا نقوش جنبه بومی برای هر تپه (تمدن) داشته و در مبادلات درونی و بیرونی همانند برآند خاص تمدنی مطرح می‌شده، یا اینکه نقوش را طبق تفاسیر مردم‌شناسی و پیرنگ فرهنگی تفسیر کنیم و آن را زاینده تفکر و آیین هر تپه بدانیم. از نقوش انسانی با حالت‌های منعکس شده در معانی مختلفی سخن گفته‌اند که یکی از آنها جنبه دینی و آیینی است. انسان در نقوش به صورت دست بر آسمان یا به صورت دسته‌جمعی و ... شواهدی از بروز فطری و الهی در خود دارد. ارتباط هنری برای بیان مفاهیم و ماندگاری، خود را با تبلیغ و کشیدن نقوش خاص و مفهومی بر روی سفالینه‌ها در عصر مفرغ^۱ چنان القایی برای زبان دینی زمان خود می‌نمایاند، هرچند این مطلب صرفاً برای بیان آیین نیامده و به دیگر موضوعات نیز تعلق یافته است. فارغ از ابزار بودن هنر، که گاه در دست دین و گاه در دست پادشاهان قرار می‌گرفته، هنر عاملی ارتباطی، الهی و وحیانی است و این طلیعه حضور هنر و ظهور معانی دینی است.



شکل ۱: سفال تل باکون، هزاره چهارم پیش از میلاد (iranatlas.in)

هنر: زبان مشترک

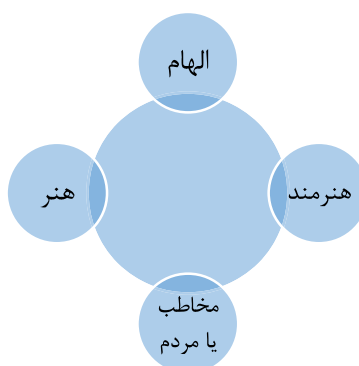
جدای از مطرح کردن تعریف فراگیر علمی یا فلسفی از هنر، باید به دنبال تعریفی کاربردی از هنر بود که بتوان ارزش‌سنجی در تأثیرگذاری اجتماعی آن را در بوته نقد نهاد. اگر بپذیریم هنر زبانی ارتباطی و مشترک بین تمامی ملل و اقوام بشری است باید اذعان کنیم که هنر خود زبانی حقیقی است که در آوردگاهی از فرهنگ‌های اقوام مختلف به زبان همان قوم ترجمه شده و این کلیت هنر است که تطابق و اشتراک فرهنگی ایجاد می‌کند. این زبان

چون خاستگاه مافوق بشری داشته و دارای کلیتی است که همه انسان‌ها با آن ارتباط برقرار می‌کنند گویی مانند فطرت آدمی از نهاد یکسانی به اشتراک گذاشته شده است.

ارتباط هنر و تعالیم دینی

پیشگامی برای ایجاد فضای مناسب عبادات و آیین‌ها یکی از بارزترین وجوه شروع ارتباط هنر و دین یا جلوه تأثیر دین بر هنر است. اما جای این پرسش هست که: آیا در ابتدا دین دست یاری به سمت هنر دراز کرده است یا هنر به سمت دین؟ معماری مذهبی از جمله معابد و پرستشگاه‌ها، و مکان‌های عبادت، از دیرباز جلوه‌گاه بارزترین هنرهای پیروان ادیان بوده‌اند (ستایشی و مرادی، ۱۳۹۵). هنر به غیر از عناصر وجودی خود نمی‌تواند هویت مستقلی بیابد و این عناصر همواره عامل مهم پایداری و زاینده‌گی و ارتباط با الهامات و انتقال خاص به مخاطب است. در مراجعات تاریخی به یکی از مهم‌ترین شهرهای سومری، یعنی شهر اور که تل‌المقابر نیز نامیده می‌شود (زین‌العابدین، ۱۳۹۹)، درمی‌یابیم که این شهر جزء مراکز مهم بت‌پرستی آن تمدن بوده است، هرچند شاید این شهر زادگاه حضرت ابراهیم (ع) نیز باشد و گویی حضرت ابراهیم (ع) نتوانست تمدن یا دولتی در این منطقه بر پا کند و هر آنچه از معابد و آثار باستان‌شناسی هست همان بقایای حکومت بت‌پرست زمانه است؛ با این حال، می‌بینیم که شخصیت اول و رهبر کاتولیک‌های جهان برای برگزاری نماز و دعای ادیان به این معابد می‌رود و در نقب تاریخ و ارتباط فرهنگی و ادیانی بین مذاهب اسلام، مسیحیت و یهودیت می‌کوشد. در این میان، شهر، معبد و زیگورات اور که هنر غیرتوحیدی تمدن‌های گذشته است محل توجه دین دیگری قرار گرفته که جزء ادیان اصلی و دارای پیامبر اولوالعزم^۲ است. گویی درمی‌یابیم هم دین پیشگام در سفارش هنر بوده و هم به تناسب نیاز می‌تواند از مفاهیم مخالف خود برای نیاز رسانه‌ای زمانه نیز استفاده کند. دین در این بحث ماهیتی ذومراتب دارد؛ اول اینکه با هر شیوه‌ای محتوایش را تبلیغ کند؛ و دوم اینکه، مرزدار اعتقادات دینداران باشد (طیبه، ۱۳۸۸). حال این دین است که با شیوع در افکار و تأثیرگذاری بر مخاطبانش بر روح و قلب و فکر آنها تأثیر گذاشته و هنرمند هم از این تأثیر مستثنا نیست و خروجی الهامات، هنرمند را به محتوای مرتبط با

دین تبدیل می‌کند. ظرفیت تبلیغی هر دین، چه توحیدی و چه غیرتوحیدی، بسته به غنای محتوای همان دین است. هر چقدر این دین به سرچشمه فطرت الاهی نزدیکتر باشد و از منافع و قدرت‌طلبی و دروغ دور باشد انتشارش در بین مردم تسریع می‌یابد. گواهی دینداری هر شخص در وجود او و رسیدن به خواسته‌ها و نیازی‌های درونی و کسب حوایج دنیوی و آرامش است. کارکردهای هنری در زمینه تبلیغ به میزان حجم کمی آثار تولیدی نیست، بلکه کمترین آثار هم به سهم خود توانسته است در انتقال معنای دینی ایفای نقش کند و ماندگار شود.



شکل ۲: نمودار ارتباطی هنر

سطح تعامل هنر با دین

یکی از مهم‌ترین علت‌های حکومتی شدن ادیان سطح نفوذ و محبوبیت دین در عموم مردم بوده که ارکان قدرت از این محبوبیت و ظرفیت ایجادشده از طریق دین، کوشیده است نهایت استفاده و گاه سوءاستفاده را کند؛ گویی قرار است وجیه‌بودن حکومت در پس این حمایت‌ها قرار گیرد. دینی که پادشاه برمی‌گزیند خدمات متقابل با حکومت دارد. دین به صاحبان قدرت مشروعیت می‌دهد و در عوض منابع مادی و ثروت حکومتی به سمت دکان‌داران دینی سرازیر می‌شود. از این منظر، حکومت در به شوکت رساندن دین و دیندار

نشان دادن خود کوشیده، اما ملوک در نهان و خلوتشان سبک دیگری از زندگی، که گاه با آموزه‌های همان دین هم سازگار نیست، اختیار می‌کنند. نتیجه اینکه، دین هرچند الهی باشد اما در صورت افتادن به چنگ دنیاخواهان کارکرد نظری و عملی‌اش را از دست می‌دهد و هنر در این میانه ابزاری است که گاه برای نشان دادن جلوت دین، در بالاترین مکان‌ها یا مرتفع‌ترین تپه‌ها ایجاد معماری با ظرافت‌های هنری می‌کند. رفیع بودن یا بالا بودن و سهل الوصول نبودن در ذهن دینداران صنفی بودن امور دینی را القا کرده است. در این میان، هنر تنها عنصر تزئینی برای اهداف بشری در جذب تبلیغی است. پیچیده کردن دین و دست‌نایافتنی بودنش نیز در هنر به کاررفته در عناصر معماری و تزئینی دخیل می‌شود، و در بررسی‌ها به اختصاص یافتن فضای بیرونی، درونی، جایگاه مجسمه‌ها، جایگاه آتش و قربانی و ... اشاره می‌کنند (حیدری، ۱۳۹۱).

آموزش هنر

انتقال تجربه در هنر معمولاً به صورت گروه‌های خاص بوده و در هر رشته به گزینش‌های خاص خود نیاز دارد. معمار باید مدیر هوشمندی باشد که از عمران تا تزئین و دمیدن روح در ساخته خود مطلع باشد. معمولاً دیگر هنرمندان ذیل نظرات او فعالیت می‌کنند. موسیقی استعداد شنوایی و ذهنی و تکنیکی خاص خود را دارد و هر شخص امکان استفاده از ابزار یا ایجاد خلاقیت ندارد. در هنرهای دیگر نیز به همین ترتیب است. با اینکه در گذشته اهل هنر بودن با اهل سر بودن مترادف بود و شاگرد می‌بایست اسرار تجربیات کاری را نزد خود نگه می‌داشت (البته گاه به منظور رواج نیافتن و خاص بودن)، امروز در جوامع با این محدودیت روبه‌رو نیست و هر شخص با هر سطح از استعداد می‌تواند مشاغل هنری را بیاموزد که البته بسیاری هم از سر علاقه است و انگیزه مالی ندارند. گاه این تجربیات هنری و اسرارش (در دوران اسلامی) با اخلاق و عرفان نیز آمیخته می‌شد که ماحصلش فتوت‌نامه‌ها است که هم به ایجاد سبک خاص انجامید و هم بستری برای رشد و تجلی و تعالی اصناف خود بود (موسوی، ۱۳۹۰). آموزش هنر در جوامع امروزی با توجه به افزایش سواد رسانه‌ای جامعه و آگاه‌سازی بخش وسیعی از جامعه به صورت پایدار ابزار مطلوبی

برای به‌روزرسانی فرمی است. هنر برای دین نمی‌تواند محتوای جدیدی ایجاد کند اما به لحاظ ابداعات فرمی، متن و نص دین را می‌تواند انتقال دهد. جامعه هدف ابزار هنر برای رسانش دینی را می‌توان قشر دیندار، مزداری برای تغییرنکردن دین در پیروان، پاسخ‌گویی به مخالفان و کافران آن دین و تبلیغ برای جذب جدید دانست.

تعامل هنر با دین

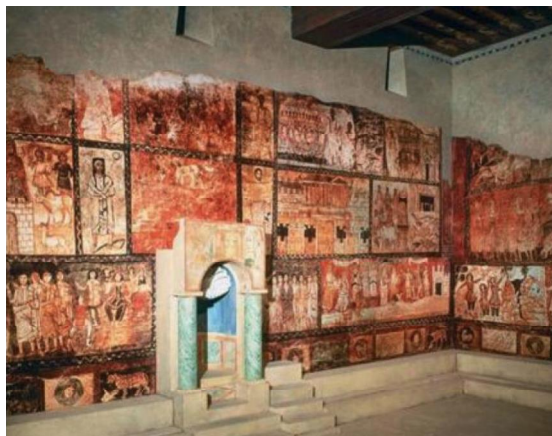
گستره رشته‌های هنری به حضور بشر در هستی امتداد می‌یابد و همواره خلاقیت ودیعه‌ای خدادادی برای بشر بوده است. در این پژوهش چند رشته پُرکاربرد در دوره‌های مختلف تاریخی را بیان می‌کنیم و می‌کوشیم نوع ارتباط‌های دین و هنر را شفاف کنیم. پرسش مهم این است که: در منشأ تعامل دین با هنر، خواست کدام یک از این دو در ایجاد آثار هنری، نقاشی، تجسمی و ... تقدم دارد؟ باید دانست که دین به عنوان سفارش‌دهنده و صاحب اعتقاد در نشر و ایجاد الفت دینی بین مؤمنان و ترویج فرهنگ اخلاقی‌اش نیاز به هنر دارد و هنر نیز ابتدا به ساکن بعید است خود در مسیر دین قدم برداشته و سفارش‌دهنده بوده باشد. از این‌رو کلید آموزش‌های هنری، خواست دین در جهت اهداف مد نظر است و گویاترین و مهم‌ترین رسانه در تاریخ ادیان بعد از متون دینی تصویرگری بوده که سفارش‌دهندگان طبق ایدئولوژی خود از این هنر بهره جسته‌اند و این هنر نه تنها در کتب، بلکه در معماری، آثار مستظرفه، پرچم‌ها و ... استفاده می‌شده است.

الف. یهودیت

ابتدا، در کتاب مقدس، طبق فرمان دوم، شمایل‌کشی در یهودیت به علت بت‌پرستی منع شده بود (رافائل، ۲۰۱۶). کنیسه دورا اوروپوس، که باقی‌مانده از دوران باستان است، به علت تأثیر از فرهنگ رومی، نقاشی دیواری داشت که باستان‌شناسان یهودی از این مطلب اظهار شگفتی می‌کردند، چراکه آن را خلاف قانون ده فرمان می‌دانستند (Kaizer, 2016). در این کنیسه نقاشی‌هایی از حزقیل نبی (ع)، دست خدا، عبور موسی و اسحاق (فرزندان اسرائیل)

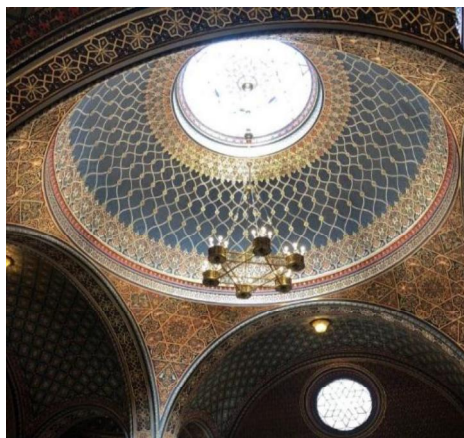
تعامل دین و هنر: تأثیر آثار هنری بر فضاسازی معنوی در اماکن دینی / ۱۳۱

از دریای سرخ، زنده کردن پسر بیوه سارافات (زارفات)، موسی و بوته سوزان، قربانی اسحاق و ... نشان داده می‌شود.



شکل ۳: کنیسه دورا اوروپوس (Dura Europos)

برخلاف تأثیرات یونانی رومی، در دیگر کنیسه‌های یافت شده عناصر تجسمی و نقاشی وجود ندارد و سعی شده همانند هنر اسلامی از تزیینات هندسی و نباتی برای جذابیت ظاهری دیوارها و سقف کنیسه استفاده شود. با اینکه یهودیت در ظاهر هنری اش نمادمحور بوده اما با مقایسه تزیینات معماری، گرته برداری از هنر اسلامی مشهود است.



شکل ۴: سقف یک کنیسه در پراگ، جمهوری چک (Prague, Czech Republic)

ب. مسیحیت

خداانگاری عیسی بن مریم (ع) و باور به سرشت الاهی او، اعتقاد به تجسد وی و دومین شخصیت تثلیث دانستن وی، در مسیحیت یکی از باورهای اساسی راست‌گیشی مسیحی است (رضازاده جودی، ۱۳۹۳). وقتی مسیح (ع) از پسر مریم (ع) بودن به الوهیت رسید کار برای روحانیان مسیحی سخت شد، چراکه مسیح (ع) اگر فردی زمینی و متصل به وحی بود آنها برای ترویج شریعت می‌بایست از اصول توحیدی او برای ترویج دین گام برمی‌داشتند



شکل ۵: فرا آنجلیکو (متولد گیدو دی پیتر، ایتالیا، ۱۴۲۰)

(Fra Angelico, Guido di Pietro, 1420, Italian)

و تبلیغ می‌کردند. با این ایده مبلغان شریعت همگی می‌بایست رفتاری از جنس حضرت مسیح (ع) می‌داشتند، پیامبری که بیش از بنده فرستاده خدا نبود. این به معنای ترویج توحیدی دین عیسی (ع) بود و در دینی که احکامش بر پایه دین قبلی (حضرت موسی (ع)) بوده انحراف کمتری ایجاد می‌شود. نقاشان در دو قرن ابتدایی مسیحیت در بستر تکنیک‌های بومی و فرهنگی آن زمان، یعنی رومی، گرت‌برداری می‌کردند

تعامل دین و هنر: تأثیر آثار هنری بر فضاسازی معنوی در اماکن دینی / ۱۳۳

(www.gallerytoday.com). بسط هنر و فرهنگ رومی در بازنمایی مسیحیت که به منش سلاطین و اشراف بیشتر نزدیک بود هنر نقاشی را به رسانه‌ای خاص برای بیان دیدگاه‌های مختلف از فرق مسیحی بدل کرد و با وجود تکرر روایاتی از الوهیت مسیح (ع) تا سبک زندگی و عقاید او هر روز بر دامنه موضوعاتش افزوده شد و هنر، همچون سهم‌النذری برای ادای دین به مسیح (ع) در خانه‌های اشراف بود.

ج. اسلام

اسلام آخرین و هوشمندانه‌ترین دینی است که منع شمایل‌کشی برای پیامبر (ص) و خاندان او را در مساجدش دارد. هرچند این منع به معنای نهی از شمایل انسانی و حیوانی در مساجد بوده و شمایل گیاهی هرگز منعی نداشته است. البته در ادوار مختلف و در نگارگری‌ها و آثار غیر از مساجد شمایل پیامبر (ص) و خاندانش ترسیم، و با استقبال دینداران مواجه شده است. هوشمندی اسلام در نهی شمایل انسانی و حیوانی در مساجد به علت بروز تعدد و تکرر مفاهیم ذهنی و تعاریف وهمی در شرع بوده، حال آنکه شریعت اسلام بر عقلانیت پایه نهاده شده و ضرورت پاسداری از دین در سنت حفظ شفاهی قرآن و احادیث در مرحله اول خود را نشان داد و پس از آن برای دقت بیشتر دانشمندان اسلامی وارد صحت‌سنجی راویان حدیث (علم رجال) شدند و در مرحله بعد آنها را در سنجش با کتاب مقدس و عقل قرار دارند (درايه) که این ظرافت به سبب حفظ همه‌جانبه دین راهکاری علمی می‌نماید.

کیفیت سفارش آثار هنری دینی

سفارش‌دهنده هنر معمولاً قصد اهداف خاصی در بیان دینی دارد. کیفیت آثار دینی به موقعیت فرهنگی، ژئوپولیتیک و سیاسی نیز وابسته است. آموزش هنر در دو سویه اجرایی و مخاطب هنر در پی آن است که آثاری بیافریند که بیانگر خط و مشی فکری خود باشد. مثلاً در مسیحیت بینش کاتولیک‌ها با پروتستان‌ها در خدانشناسی متفاوت است و این بر هنر مد نظر تأثیر بسزایی دارد، یا در تزیینات هنر اسلامی در دوره‌ای از گچ، دوره‌ای دیگر

آجرکاری و در دوره دیگری از کاشی‌کاری‌های مختلف استفاده می‌شود که هر یک روح و مفهوم ایدئولوژیک خود را به همراه دارد. جذب، مهم‌ترین بخش هنر است که هنر همچون حلقه‌هایی به خواست احساسی متدینان پاسخ می‌دهد. از این میان در مسیحیت سهم موسیقی کلیسا، گروه کرو، تعدد و تکثر نقاشی‌های انسانی و داستانی، آیین‌هایی با لباس‌های جذاب که از هنر طراحان و خیاطان سرچشمه گرفته را می‌توان برشمرد که در صدد است اربابان کلیسا را روحانی، شاخص و خاص جلوه دهد. خانه خدا مهم‌ترین وصفی است که در بین متدینان رواج دارد؛ همان جایی که بردن نام خدا موجب آرامش مؤمنان می‌شود: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸).

آموزش هنر؛ بُعد اجرایی

با وجود کارکرد مساجد در موضوعات آموزشی و علمی، خدمات اجتماعی، بسیج عمومی برای دفاع، قضاوت، مراسم عمومی و آیینی (مهدوی‌نژاد و مشایخی، ۱۳۸۹) سفارش‌دهندگان بنای مسجد در پی اعتلای ظاهری مسجدند و از هیچ تلاشی برای به کمال رساندن آثار هنری مرتبط با مسجد دریغ نکرده‌اند. معمار مسلمان با این فرض که در محضر خدا است مشغول به ساختن خانه خدا شده و تمام سعی‌اش را کرده است تا اثری خدایسندانه ایجاد کند و کلام الهی را انعکاس دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵). مشاغل هنری مسجد عبارت‌اند از: ساخت آجرهای تزئینی، گچ‌بری و کشته‌بری و ساخت حجم مانند چراغ‌دان‌ها، سنگ‌تراشی برای کف‌ها و حوض آب، الواح و سنگ‌آب‌ها، درودگری، منبت و معرق، شیشه‌گری، گلیم‌بافی و پرده‌بافی، انواع کاشی‌کاری و لعاب، نقاشی و رنگ، مقرنس و این تعدد مشاغل هنری خود دربردارنده قرن‌ها تجربه بوده و محور این مجموعه خانه خدا است. خانه‌ای که ساختش عبادی است و زمینش تا عرش الهی ادامه دارد و مراحل تکمیلی با موقوفات و وجوهات مردمی ساخته شده و دارای پشتوانه مردمی است. هرچند حکومتی و خاص هم بوده اما در هیچ مرحله‌ای فارغ از نذورات مردمی نبوده است. این خود نشان از امر والایی دارد که به سبب آن تمام زیبایی‌ها در یک مکان متمرکز شده و همگی در ساخت و بهره‌وری از آن مشارکت دارند.

آموزش هنر؛ فهم مخاطب

اثر هنری را که در پرستشگاه‌های دینی با دیگر هنرها و عقاید به شکل مجموعه‌ای محتوایی به مخاطب عرضه می‌شود همچون رسانه‌ای اجتماعی می‌دانیم. در گذشته نیز رسانه‌های جمعی، مجراهای ارتباطی یک‌طرفه و مستقلی تلقی می‌شد که اطلاعات را به عامه مردم منتقل می‌کرد و از این طریق عقایدشان را شکل می‌داد (ذکایی و حسنی، ۱۳۹۴). صاحبان این رسانه با توجه به قَلت اهل دانش در عموم جامعه (بی‌سوادی) دست از تلاش برای فهم آثار هنری برداشتند؛ نه تنها به آیات و روایات متناسب مسجد در نصب رو آوردند، بلکه با ابداع شیوه‌هایی پیچیده مخاطب را به کشف جذابیت‌های هنری آثار دعوت می‌کردند و از مواد مختلف به منظور بیان و ایجاد جذابیت هنری برای مخاطب یاری می‌جستند. ترکیب شکل‌های هندسی، نباتی، تکنیک‌های آجرکاری، کاشی‌کاری و اکمال خطوط در بنای مساجد نیز از آن جمله است. در این میان مخاطب در انفجار و تنوع رنگ و خطوط و آثار هنری به خضوع و کرنش روی می‌آورد. از این رو هنر با تجلی خود توانسته است پله ابتدایی معرفت را برای مخاطب عیان کند.

جایگاه حقیقی مساجد

مسجد در روایات اسلامی به گونه‌ای مطرح شده که گویی خود وجود و هویت مستقلی از دیگر موجودات دارد. بانگ اذانی که در مواقع پنج‌گانه نماز، شهر را به خود می‌خواند، شادی‌ها و غم‌هایی که این مکان به خود می‌بیند، بریدن از زندگی روزانه و گوشه‌نشینی و متمرکز شدن در معنویت (اعتکاف) و ... همگی از این وجود قدسی خبر می‌دهد. اما مسجد با تمام خیره‌کنندگی فقط دربرگیرنده جسم و کالبد فیزیکی نیست. مسجد را صاحب‌خانه و دعوت‌شدگان به وجو آورده و شکوفا می‌کنند؛ مساجدی که اکنون غیر از کارکرد توریستی به سبب زیبایی، کارکردشان را برای برگزاری عبادت فردی و جمعی از دست داده‌اند دیگر رونق عبادی و اجتماعی ندارند و بیشتر به شکوه زودگذر می‌انجامند. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «إِنَّ السَّيَّاحَةَ فِي أُمَّتِي لُزُومُ الْمَسَاجِدِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ»

گردشگری امت من نشستن در مساجد، و انتظار کشیدن برای نماز از پی نماز است»
(طبرسی، ۱۳۹۲: ۲۶۲).



شکل ۶: عتبه الحسینیه المقدسه

نتیجه

هنر به عنوان مهم‌ترین عنصر غیرمادی در بین ادیان اهمیت بسیار دارد و ابزاری برای انتقال اندیشه‌های دینی و اعتقادی بوده و مانایی‌اش را در فضای آثار هنری گنجانده است. اماکن مقدس و پرستشگاه‌ها اگر خالی از هر گونه تأثیر هنری بود قطعاً اماکنی سرد و بی‌روح بود و عبادت‌کنندگان توجهی به آن نمی‌کردند. هنر طوری با دین عجین شده که حتی آداب عبادی و پرستش را هم در بر گرفته و هر چقدر زیبایی بیشتری در طرح و رنگ و نقوش دیده شود به افزودن احساس روحانی و تقدیس کمک بیشتری می‌کند. هر چند متن دین فارغ از این جذابیت‌ها است و هرگز نه تنها دعوت به جذابیت‌های اشرافی نداشته بلکه این سیره را نهی هم کرده است، اما نقش رسانه بودن هنر در بُعد اجتماعی سبب شده است ظواهر دین اهمیت یابد و حفظ آن جزء ملزومات مناسک و آداب دین شود.

تعامل دین و هنر: تأثیر آثار هنری بر فضاسازی معنوی در اماکن دینی / ۱۳۷

پی‌نوشت‌ها

۱. در این مقاله ملاک عصر مفرغ (شهرنشینی) برای ثبوت دینداری و تبلیغ و ارتباط دینی در اجتماع آورده شده و گرنه قبل از آن، عنصر اجتماعی دین در واحه‌های کوچک و بیان تبلیغی کم‌رنگ می‌نماید.
۲. «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف: ۳۵).

منابع

قرآن کریم.

- اسکندری، رسول؛ آشوری، محمدتقی (۱۳۹۵). «جامعه و فرهنگ و تأثیر آن بر فرم سفال پیش از تاریخ سیلک»، در: *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، ش ۱۸، ص ۲۳-۴۲.
- حیدری، علی اکبر (۱۳۹۱). «تحلیل فضایی معماری معبد آناهیتا کنگاور»، در: *مطالعات شهر ایرانی/اسلامی*، ش ۷، ص ۷۳-۸۶.
- دهقانی فیروزآبادی، مجید (۱۳۹۵). «بررسی نقش عبادت در شکل‌گیری هنر مسلمین: مطالعه موردی مسجد جامع یزد»، در: *مجموعه مقالات دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت*.
- ذکایی، محمدسعید؛ حسینی، محمدحسین (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی کاربران رسانه‌های اجتماعی»، در: *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، س ۵، ش ۱۷، ص ۳۷-۶۴.
- رافائل، ملیسا (۲۰۱۶). *یهودیت و هنرهای تجسمی*، در: www.oxfordre.com
- رضازاده جودی، محمدکاظم (۱۳۹۳). «بررسی و نقد آموزه تجسد در مسیحیت»، در: *حکمت و فلسفه*، س ۱۰، ش ۲، ص ۸۷-۱۰۲.
- زین‌العابدین، سمانه (۱۳۹۹). «چرا پاپ، خانه حضرت ابراهیم (ع) را برای سخنرانی برگزید؟»، در: *خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران*، کد خبر: ۸۴۲۵۵۴۲۲.
- ستایشی، زهرا؛ مرادی، سعید (۱۳۹۵). «رابطه هنر و دین»، *دومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری*.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۹۲). *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، قم: دار الثقلین.
- طیبی، ناهید (۱۳۸۸). «ابزار و شیوه‌های تبلیغ دینی»، در: *نامه جامعه*، ش ۵۸، ص ۳۵-۴۰.
- موسوی، سید رضی (۱۳۹۰). «هنر اسلامی در آیین فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان»، در: *مطالعات هنر اسلامی*، ش ۱۵، ص ۲۱-۳۴.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ مشایخی، محمد (۱۳۸۹). «بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی اجتماعی»، در: *آرمان‌شهر*، ش ۵، ص ۶۵-۷۸.
- Kaizer, Ted (2016). An Even More Unexpected Find: The Synagogue of Dura-Europos and its Place in Local Society, at: www.ucl.ac.uk

تعامل دین و هنر: تأثیر آثار هنری بر فضاسازی معنوی در اماکن دینی / ۱۳۹

www.chayacassano.commons.gc.cuny.edu

www.gallerytoday.com

www.iranatlas.info

www.metmuseum.org/art/collection/search/773026

www.praguejourneys.com